

فهرست

- ٥ الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ
- ١٥ الدَّرْسُ الثَّانِي: أَهَمِّيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
- ٢٢ الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: مِهْنَتُكَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ
- ٢٧ الدَّرْسُ الرَّابِعُ: التَّجَرِبَةُ الْجَدِيدَةُ
- ٣٤ الدَّرْسُ الْخَامِسُ: الصَّدَاقَةُ
- ٤١ • آزمون نيمسال اول
- ٤٣ الدَّرْسُ السَّادِسُ: فِي السَّفَرِ
- ٥٠ الدَّرْسُ السَّابِعُ: ﴿...أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً﴾
- ٥٧ الدَّرْسُ الثَّامِنُ: الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ
- ٦٣ الدَّرْسُ التَّاسِعُ: السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ
- ٧٠ الدَّرْسُ الْعَاشِرُ: الْحِكْمُ
- ٧٦ • آزمون نيمسال دوم
- ٧٩ • پاسخنامه تشریحی



إِني رأيتُ دهرًا مِن هجرِكَ القِيامةِ
 به راستی من از دوری تو روزگار را قیامت دیده‌ام.
 لیست دُموع عیني هذي لنا العلامه؟
 آیا همین اشک‌های چشم من برای ما نشانه نیست؟

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
 دارم من از فراقش در دیده صد علامت

قال الامام الخميني عليه السلام: اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ.
 امام خمینی (رحمت خدا بر او باد) فرمود: زبان عربی زبان اسلام است.

☆ الْمُعْجَم: واژگان

القَيْشُ: زندگی	ذَهَبٌ: طلا	أَرَادَلُ: فرومایگان
عَسَلَتْ: شستی	رَفَعُوا: بالا بردند	أَسْلُوبٌ: شیوه
الْفُسْتَانُ: پیراهن زنانه	رِضَا: خشنودی	«أَسْلُوبُ الْحَيَاةِ»: شیوه زندگی
قَادِرٌ: توانا، توانمند	زَرَعَ: کاشت	أُسْرَةٌ: خانواده
قَرِيبًا: نزدیک شدند	سَبْعِينَ: هفتاد	«أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟»: خانواده‌ات کجاست؟
كَالشَّجَرِ: مانند درخت	سَلِمَ: سالم ماند	أَفَاضِلُ: شایستگان
لَعِبَ: بازی کرد	السَّنَةُ الدِّرَاسِيَّةُ: سال تحصیلی	التَّبَسُّطَةُ: ساده
لَيْتَ: کاش	الصَّفِّ الثَّامِنُ: کلاس هشتم	الثَّقَافَةُ وَ الْقَنُّ: فرهنگ و هنر
لِسَانٌ: زبان	طَرَقَ: کوبید، در زد	جَلِيسٌ: همنشین
«مِن لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»: از دست و زبانش	«طَرَقَ بَابَ الْبَيْتِ»: درب خانه را زد.	«جَلِيسُ السُّوءِ»: همنشین بد
مَا أَكَلْنَا: نخوردیم	الْعَمَلُ وَ التَّقْنِيَةُ: حرفه و فن	حَصَدٌ: درو کرد



وَجَع: درد الورد: گل الورد الأصفر: گل زرد	واجبات: تکالیف وجه: چهره وجه الوالدين: چهره پدر و مادر	ما رَجَعْتُ: بازنگشتم المرء: انسان مُجَالَسَة: همنشینی المُصحف: قرآن
---	--	---

المترادف: کلمات هم معنی

سنة = عام (سال)	الثمر = الفاكهة (میوه)	فهم = درک (فهمیدن)
بيت = منزل (خانه)	أم = والدة (مادر)	المرء = الإنسان (انسان)
خلف = وراء (پشت)	ناجح = فائز (موفق)	وجه = سيما (چهره)
بستان = حديقة (باغ)	أب = والد (پدر)	عداوة = عدوان (دشمنی)
	المُصحف = القرآن (قرآن)	التَّظَرُّ = الرؤية (نگاه کردن)
	طَرَقَ = دَقَّ (در زد، کوبید)	الخُسران = الضَّرر (زیان)

المتضاد: کلمات مخالف

العالم = الجاهل (دانا = نادان)	البسيطة = الصعبة (ساده = سخت)	قادر = عاجز (توانا = ناتوان)
حزن = فرح (ناراحت شد = خوشحال شد)	قليل = كثير (کم = زیاد)	ذهبت = رجعت (رفت = بازگشت)
جميل = قبيح (زیبا = زشت)	قريب = بعيد (نزدیک = دور)	كبير = صغير (بزرگ = کوچک)
تحت = فوق (زیر = روی)	بداية = نهاية (آغاز = پایان)	أمس = غد (دیروز = امروز)
سوء = حسن (بدی = خوبی)	أول = آخر (اول = پایان)	غالية = رخيصة (گران = ارزان)
يمين = يسار (راست = چپ)	الوحدة = الجماعة (تنهایی = با هم)	واقف = جالس (ایستاده = نشسته)
حي = ميت (زنده = مرده)	أسود = أبيض (سیاه = سفید)	حار = بارد (گرم = سرد)
خير = شر (بهتر = بدتر)	أراذل = أفاضل (فرومایگان = شایستگان)	مؤمن = كافر (مؤمن = کافر)

الجُموع: جمع های سالم و مکسر

قادرون ← قادر (توانا)	الطلاب ← الطالب (دانش آموز)	دُموع ← دمع (اشک)
أشياء ← شيء (چیز)	العلماء ← العالم، العليم (دانا)	العبارات ← العبارة (عبارت)
بساتين ← بستان (باغ)	أيدي ← يد (دست)	واجبات ← واجب (تکالیف)
المصاحف ← المصحف (قرآن)	حقائب ← حقيبة (کیف)	البنات ← البنت (دختر)
الأصدقاء ← الصديق (دوست)	الأفاضل ← الأفضل (شایسته / تر)	الأراذل ← الأردل (فرومایه / تر)
ملابس ← ملابس (لباس)	الأحجار ← الحجر (سنگ)	الأمهات ← الأم (مادر)
	حدايق ← حديقة (باغ)	جالسون ← جالس (نشسته)
	أحياء ← حي (زنده)	الشهور ← الشهر (ماه)

درس نامه

مرور درس‌های سال هفتم

به کلاس هشتم خوش آمدید. در این کتاب و درس‌های آن با زبان عربی بیشتر آشنا می‌شوید. اگر این درس‌ها را با دقت بیشتر بخوانید و بیشتر تکرار و تمرین کنید، در سال‌های بعد راحت‌تر مطالب را یاد می‌گیرید.

درس اول خیلی سخت نیست چرا که درس‌های سال قبل را مرور می‌کنند، ما هم برای این‌که موضوع را سریع‌تر و راحت بگوییم، این درس را به صورت نموداری و دسته‌بندی شده، بیان می‌کنیم.

فقط دقت کنید برای این‌که مطالب این درس یادتان نرود تمرین‌هایش را زیاد تکرار کنید.

اگر یادتان باشد قواعد کتاب هفتم با اسم اشاره شروع شده بود. به نمودار زیر نگاه کنید:



مثال « برای هر تصویر اسم اشاره مناسب بنویسید.



۳ شَجَرَتَانِ.
 هاتان هذان

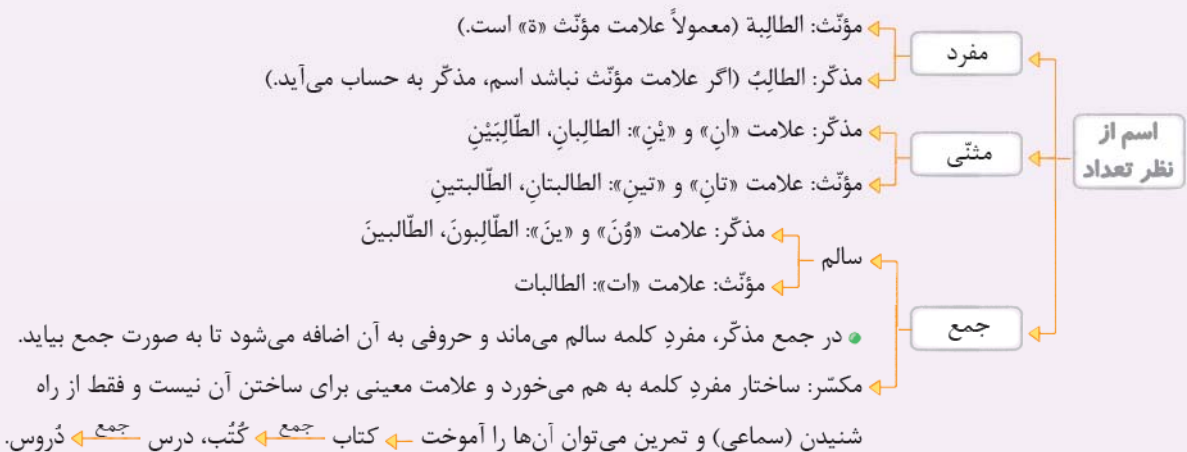


۲ طَالِبَاتُ نَاجِحَاتٍ.
 أولئک هاتان



۱ شَجْرَةٌ.
 هذِهِ ذلِکَ

یکی از تفاوت‌های زبان فارسی با زبان عربی در شمارش افراد و اشیا است یعنی ما در فارسی یک نفر یا یک چیز را مفرد می‌دانیم و بیشتر از یک نفر را جمع؛ اما در عربی بعد از مفرد، اسم مثلی (یعنی دو نفر) را داریم و بیشتر از دو نفر را جمع می‌گوییم. البته در فعل‌ها هم همین‌طور است. به نمودار اسم از نظر تعداد توجه کنید:





مثال << متناسب با تصاویر در جاهای خالی اسم مناسب قرار دهید.



۳ هذِهِ
 وردتانی وردة



۲ أولئك
 لاعبتان لاعبتان



۱ هؤلاء
 لاعبان لاعبون



۵ هاتان
 حقائب حقیبتان



۴ هؤلاء
 علماء عالمان

اگر بخواهیم در مورد چیزی یا فردی پرسشی بکنیم از چه کلماتی استفاده می‌کنیم؟
 کلمات پرسشی که در عربی به آن‌ها «استفهام» می‌گویند، بستگی دارد به نوع سؤال ما یا سؤال از چیزی که برای ما ناشناخته است و ما می‌خواهیم درباره آن بدانیم.

أ و هَلْ - آیا؟ - دو جواب - نعم - بله
 هَلْ أَنْتَ مَدْرَسٌ؟ لا / نَعَمْ
 لا - خیر:

- مَنْ - چه کسی؟ - در جواب نام شخص یا شغل اوست: مَنْ هُوَ؟ هُوَ تَلْمِذٌ. مَنْ هِيَ؟ هِيَ فَاطِمَةُ
- مَا و ماذا - چه و چه چیزی؟ - در جواب نام شیء: ما هذا؟ هذا قَلَمٌ. ماذا عَلَى الْمُتَّصِدَةِ؟ كِتَابٌ.
- لِمَاذَا - برای چه؟ - دلیل خواستن: لِمَاذَا ذَهَبْتَ؟ لِمَاذَا ذَهَبْتَ؟ لِمَاذَا ذَهَبْتَ؟ لِمَاذَا ذَهَبْتَ؟ لِمَاذَا ذَهَبْتَ؟
- لِمَنْ - برای چه کسی؟ - برای مالکیت: لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ لِصَدِيقِي.
- أَيْنَ - کجا؟ - برای سؤال از مکان: أَيْنَ ذَهَبْتَ؟ ذَهَبْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.
- مِنْ أَيْنَ - از کجا؟ اهل کجایی؟ - برای سؤال از مکان، کشور و شهر افراد است. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا إِيرَانِيٌّ.
- مَتَى - کی؟ - برای زمان است. مَتَى خَرَجْتَ مِنَ الْبَيْتِ؟ خَرَجْتُ صَبَاحًا.
- كَيْفَ - چگونه؟ - برای احوال‌پرسی و قید حالت: كَيْفَ حَالُكَ؟ بِخَيْرٍ.
- كَمْ - چه قدر، چند؟ - برای پرسش از تعداد است. كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ تِسْعَةٌ.

اسم‌های استفهام

مثال << با توجه به تصاویر زیر، در جاهای خالی اسم استفهام مناسب بنویسید.



۴ أَنْتَ؟
 أَنَا مِنْ مِصْرَ (مِصْرِيٌّ).



۳ الطُّفْلُ؟
 عِنْدَ أُمِّهِ.



۲ تِلْكَ عَلَى الْجَبَلِ؟
 تِلْكَ شَجَرَةٌ.



۱ هَذِهِ حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟
 لا، هَذِهِ حَقِيبَةُ السَّفَرِ.



۷ هي؟

هي مدرّسة.

۴ من أين



۶ قَرَأْتِ؟

قَرَأْتُ كِتَابًا.

۳ أين

۷ من



۵ طالبة في الصّفِّ؟

عَشْرَةٌ.

۲ ما

۶ ماذا








پاسخ < ۱ / أ / هل








۵ كم

البته نباید فراموش کنیم که از مهم‌ترین درس‌های کتاب سال گذشته، موضوع فعل ماضی (گذشته) بود که کمی با فعل‌های فارسی متفاوت است و تفاوت آن هم مثل تفاوت انواع اسم از نظر تعداد و جنس است.

راحت‌تر بگوییم همان‌طور که در عربی مؤنث و مذکر و مفرد و مثنی و جمع داریم در فعل‌ها هم همین‌طور است؛ یعنی وقتی در عربی می‌خواهیم از فعل «رفت» استفاده کنیم باید ببینیم فردی که رفته است مذکر است یا مؤنث و وقتی می‌خواهیم از فعل «رفتند» یا «رفتید» استفاده کنیم باید دقت کنیم که آن‌ها که رفتند مؤنث هستند یا مذکر.

به جدول زیر توجه کنید تا مطالب سال گذشته را بهتر مرور کرده باشید:

نام صیغه‌های عربی	فعل‌های ماضی در عربی		ضمایر عربی	ضمایر فارسی
متکلم وحده	 <p>أنا فَعَلْتُ ←</p>	 <p>أنا فَعَلْتُ ←</p>	أنا (مذکر و مؤنث)	من
مخاطب (مفرد)	 <p>أنتِ فَعَلْتِ ←</p>	 <p>أنتِ فَعَلْتُ ←</p>	أنتَ (مذکر) أنتِ (مؤنث)	تو
غایب (مفرد)	 <p>هي فَعَلَتْ ←</p>	 <p>هو فَعَلَ ←</p>	هو (مذکر) هي (مؤنث)	او
متکلم مع الغير	 <p>نحنُ فَعَلْنَا ←</p>		نحنُ (مذکر و مؤنث)	ما

نام صیغه‌های عربی	فعل‌های ماضی در عربی		ضمایر عربی	ضمایر فارسی
مخاطب (مثنی و جمع)	 <p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا ←</p>	 <p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا ←</p>	أَنْتُمَا (مذکر و مؤنث)	مثنی
	 <p>أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ ←</p>	 <p>أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ ←</p>	أَنْتُمْ (مذکر) أَنْتُنَّ (مؤنث)	جمع
غایب (مثنی و جمع)	 <p>هُمَا فَعَلَا ←</p>	 <p>هُمَا فَعَلَا ←</p>	هُمَا (مذکر) هُمَا (مؤنث)	مثنی
	 <p>هُنَّ فَعَلْنَ ←</p>	 <p>هُمْ فَعَلُوا ←</p>	هُمْ (مذکر) هُنَّ (مؤنث)	جمع

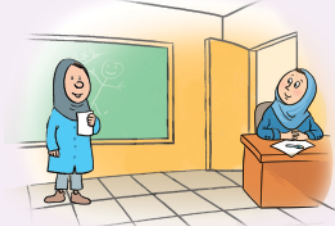
مثال >> به تصاویر زیر نگاه کنید و در جاهای خالی فعل مناسب، قرار دهید. (در تصاویر از فعل «حَفِظَ» استفاده کنید.)



۱) أَنْتِ هَذِهِ الْعِبَارَةُ؟
لا، مَا حَفِظْتُ.



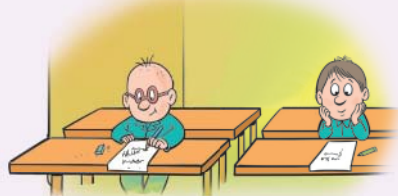
۲) أَنْتُمَا هَذِهِ الْعِبَارَةُ؟
لا، مَا حَفِظْنَا.



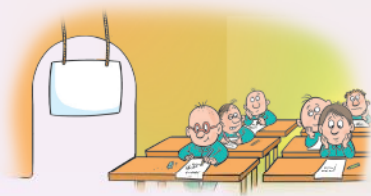
۳) أَنْتُنَّ هَذِهِ الْعِبَارَةُ؟
لا، مَا حَفِظْنَا.



۴) هَلْ أَنْتُمْ هَذِهِ الْعِبَارَةُ؟
نَعَمْ، حَفِظْنَا.



۵) هَلْ هَذَا الْعِبَارَةُ؟
لا، مَا حَفِظَا.



۶) هَلْ هَذِهِ الْعِبَارَةُ؟
لا، مَا حَفِظُوا.

۳ حَفِظْتُنَّ
۶ حَفِظْتُمْ

۲ حَفِظْتُمَا
۵ حَفِظَا

۱ حَفِظْتِ
۴ حَفِظُوا

پاسخ >

یکی دیگر از مطالبی که سال قبل خواندیم، مربوط به اعداد بود. به نمودار زیر نگاه کنید:

شمارشی: واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة، أحدَ عشر، اثنانَ عشرَ

ترتیبی: أول، ثاني، ثالث، رابع، خامس، سادس، سابع، ثامن، تاسع، عاشر

اعداد

روزهای هفته: السَّبْت (شنبه)، الأَحَدَ (یکشنبه)، الاثْنَيْنِ (دوشنبه)، الأَثَلَاءَ (سه‌شنبه)، الأَرْبَعاءَ (چهارشنبه)، الأَخْمِيسَ (پنج‌شنبه)، الأَجْمَعَةَ

• به جز شنبه و جمعه بقیه روزهای هفته رابطه نوشتاری و معنایی با اعداد دارند.

فراموش نکنیم که در درس‌های آخر پارسال با رنگ‌ها و فصول سال هم آشنا شدیم:

رنگ‌ها: أبيض (سفید)، أسود (سیاه)، أخضر (سبز)، أحمر (قرمز)، أزرق (آبی)، أصفر (زرد)

فصول: الربيع (بهار)، الصيف (تابستان)، الخريف (پاییز)، الشتاء (تابستان)

مثال >> در جاهای خالی کلمه مناسب قرار دهید.

- ۱ نُونُ السَّحَابِ ۲ فِي الْجَوِّ مُعْتَدِلٌ .
 ۳ نُونُ الرُّمَّانِ
 ۴ فَصْلٌ بَارِدٌ . ۵ بَعْدَ يَوْمِ السَّبْتِ يَوْمٌ
 ۶ فَصْلٌ سُقُوطِ الأَوْرَاقِ .
 ۷ اليَوْمِ يَوْمَ الاثْنَيْنِ وَ غداً يَوْمٌ ۸ لَوْنُ الغُرَابِ
 ۹ ألوانُ عِلْمِ إِبْران
 پاسخ < ۱ أبيض ۲ الربيع ۳ أحمر ۴ الشتاء ۵ الأحد
 ۶ الخريف ۷ الثلاثاء ۸ أسود ۹ الأخضر والأبيض والأحمر

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ

مرور درس‌های کلاس هفتم

مرور درس‌های کلاس هفتم

السَّلَامُ	عليكم	أيها	الطَّلَابُ.	أهلاً وَ سهلاً بِكُمْ	في	الصَّفِّ	الثامن.	كيف	حالتكم؟
سلام	بر شما	ای	دانش‌آموزان	خوش آمدید	در	کلاس	هشتم	چگونه است	حال شما؟
			ای دانش‌آموزان سلام بر شما.			به کلاس هشتم خوش آمدید.			حال شما چه‌طور است؟

السَّنَةُ	الدَّرَاسِيَّةُ	الجديدة	مباركة.	الحمد لله	لأنَّكُمْ	قادرين	على	فهم	العبارات	البسيطة.
سال	تحصیلی	جدید	مبارک	سپاس مخصوص خدا	زیرا شما	توانايد	بر	درك	عبارت‌های	ساده
			خدا را شکر چرا که شما می‌توانید عبارت‌های ساده را بفهمید.			سال تحصیلی جدید مبارک.				

سایر عبارات مهم درس

العالم	بلا عمل	كالشَّجَرِ	بلا ثَمَرٍ.	مُجَالَسَةُ	العلماء	عبادة.
دانشمند	بدون عمل	مانند درخت	بدون میوه	همنشینی	با دانشمندان	عبادت
عالم بی‌عمل، مانند درخت بی‌ثمر است.			همنشینی با دانشمندان عبادت است.			

رضا	الله	في	رضا	الوالدين.	تفكر	ساعة	خير	من	عبادة	سبعين	سنة.
رضایت	خدا	در	رضایت	پدر و مادر	فکر کردن	یک ساعت	بهتر	از	عبادت	هفتاد	سال
خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است.			یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است.								

المؤمن	قليل	الكلام	كثير	العمل.	أدب	المراء	خير	من	دَهَبِيه.
مؤمن	کم	سخن	بسیار	کار	ادب	انسان	بهتر	از	طلائی او
مؤمن، کم‌سخن و پرکار است.			ادب انسان از طلائی او (ثروت او) بهتر است.						



پرسش‌های درس اول

۱ کلماتی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کنید.

- | | |
|---|---|
| ۱ هذانِ البائعانِ شاکران. | ۲ من زَرَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسرانَ. |
| ۳ السَّنةُ الدَّراسِيَّةُ الجَدِيْدَةُ مُبارَكَةٌ. | ۴ أَنْتُمْ قادرونَ عَلَيَّ فِهِم العِبَارَاتِ البَسِيْطَةُ. |
| ۵ تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً. | ۶ أَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ. |
| ۷ أدبُ المَرءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. | ۸ سلامةُ العيشِ فِي المَدَارَةِ. |
| ۹ إِذَا مَلَكَ الأَراذِلُ هَلَكَ الأَفْضَلُ. | ۱۰ أَيَّنَ أُسْرَتِكَ. |

۲ میان کلمات مترادف علامت = و میان کلمات متضاد علامت ≠ قرار دهید.

- | | | | |
|----------|----------------|------------|-----------|
| ۱ آخر | ۲ أمس | ۳ بُسْتان | ۴ زخِيصَة |
| ۵ الوحدة | ۶ ذَهَب | ۷ فَوْق | ۸ خَلْف |
| ۹ الأب | ۱۰ يَمِين | ۱۱ أَرادِل | ۱۲ حاز |
| ۱۳ حَزَن | ۱۴ البَسِيْطَة | ۱۵ حُسن | |

۳ هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید.

- | | |
|----------------|---------------------------------------|
| ۱ الحَدِيْقَةُ | ○ عَدَدُ أَيامِهِ سَبْعَةٌ |
| ۲ الشَّبْكَةُ | ○ لَوْنُ الرُّمَانِ |
| ۳ الفَلَّاحُ | ○ قِيَمَتُهُ غَالِيَةٌ جِدًّا |
| ۴ المُسْتانُ | ○ لَوْنُ السَّحَابِ |
| ۵ الأَسْبُوعُ | ○ مَكَانُ الأَشْجارِ |
| ۶ الشَّفِينَةُ | ○ مِنْ مَلابِسِ النِّساءِ وَ البَناتِ |
| ۷ الذَّهَبُ | ○ وَسِيْلَةُ لِصِيْدِ الأَسْماكِ |
| ۸ الجِدَّةُ | ○ تَجْرِي عَلَيَّ البَحْرِ |
| ۹ أَحْمَرُ | ○ أُمُّ الأَبِ |
| ۱۰ أَرْزُقُ | ○ يَعْمَلُ فِي المَزْرَعَةِ |

۴ ترجمه درست را انتخاب کنید.

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱ هؤلاء الأصدقاء، واقفون. | ○ این دوستان ایستاده‌اند. |
| ۲ يدُ الله مع الجماعة. | ○ دست خدا با جماعت است. |
| ۳ من زَرَعَ العُدوانَ حَصَدَ الخُسرانَ. | ○ هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد. |
| ۴ أولئك الأمهات، جالسات. | ○ این‌ها مادران نشسته‌اند. |
| ۵ هي طرقت باب بيتها. | ○ او در خانه‌اش را کوبید. |

٦ أَنَا مَا رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِي.

من به خانه برگشتم.

من به خاندهام برگشتم.

٧ هُمْ رَفَعُوا أَيْدِيَهُمْ.

آن‌ها دستانشان را بالا بردند.

آنان دست خود را بالا کشیدند.

٨ هُمَا وَجَدَتَا مِفْتَاحَهُمَا.

آن دو کلیدهایشان را پیدا کردند.

آن‌ها کلیدشان را یافتند.

٩ إِذَا مَلَكَ الْأَرَادُلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.

هر وقت پستی حاکم می‌شود خوبی نابود می‌شود.

هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند شایستگان هلاک گردند.

١٥ مُجَالِسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان عبادت است.

نشستن دانشمندان عبادت است.

٥ ترجمهٔ جملات را کامل کنید.

١ أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

ادب آدمی بهتر از

٢ النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ: النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

نگاه کردن به چیز عبادت است. نگاه به آن‌گاه به چهرهٔ پدر و مادر و نگاه به

٣ أَيْنَ أَسْرَتُكَ؟ هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.

خانواده‌ات؟ آن‌ها در آن‌جا

٤ أَنْتُمْ ذَكَرْتُمْ أَصْدِقَائِكُمْ. هُمْ كَتَبُوا دَرَسَهُمْ.

شما دوستانتان را آن‌ها درس‌هایشان را

٥ أَنْتِ عَسَلْتِ مَلَابِسَكَ وَ فَعَلْتِ وَاجِبَاتِكَ.

تو را شستی و را انجام دادی.

٦ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ.

مسلمان کسی است که مردم از و زبانش

٧ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ.

..... بهتر از بد است.

٨ الْعَالِمُ يَلَا عَمَلَ كَالشَّجَرِ يَلَا ثَمْرًا.

عالم مانند درخت

٦ برای جاهای خالی کلمهٔ مناسب را انتخاب کنید.

١ الطَّالِبَةُ عَالِمَةٌ. (تلك / ذلك)

٢ اللَّاعِبُ، فَائِزٌ. (هذان / ذلك)

٣ قُرْبًا مِنْ قَرِيْبَتِهِمَا. (هُمَا / هُوَ)

٤ أَنْتَنْ دَرَسَكَنْ. (كتبن / كتبتن)

٥ نَحْنُ ذَهَبْنَا إِلَى (صَفِي / صَفْنَا)

٦ هَلْ أَنْتِ مِنَ الْعِرَاقِ؟ لَا مِنَ الْكُوَيْتِ. (أنتِ / أنا)

٧ الْبِنْتَانِ صَابِرَتَانِ. (هاتان / هذان)

٨ الْأُمّهَاتُ جَالِسَاتٌ. (هاتان / أولئك)

٩ وَصَلْنَا إِلَى غُرْفَتِهِنَّ. (أنتن / هن)

١٥ هِيَ بَابَ بَيْتِهَا. (طَرَقَتْ / لَعِبَتْ)

٧ با توجه به تصاویر پاسخ کوتاه بنویسید.



٣ أَيْنَ الْجَوَالُ؟



٢ كَمْ عَدَدُ اللَّاعِبِينَ؟



١ مَن هَذَا الشَّاعِرُ؟



۶ کم عدد الأشجار؟



۵ من أين أنت؟



۴ أ هذا قميص أم سروال؟

۸ كلمة ناهما ننگ را مشخص کنید.

- | | | | |
|-------------------------------|------------------------------|-------------------------------|---------------------------------|
| <input type="radio"/> خدائق | <input type="radio"/> واجبات | <input type="radio"/> فواكه | <input type="radio"/> ۱ ملابس |
| <input type="radio"/> من | <input type="radio"/> أنت | <input type="radio"/> كيف | <input type="radio"/> ۲ لماذا |
| <input type="radio"/> سليم | <input type="radio"/> رب | <input type="radio"/> قذف | <input type="radio"/> ۳ وقع |
| <input type="radio"/> سمكة | <input type="radio"/> صيف | <input type="radio"/> شبكة | <input type="radio"/> ۴ مدينة |
| <input type="radio"/> هم | <input type="radio"/> أنت | <input type="radio"/> وزدة | <input type="radio"/> ۵ أنا |
| <input type="radio"/> بساتين | <input type="radio"/> أشجار | <input type="radio"/> خدائق | <input type="radio"/> ۶ رجلان |
| <input type="radio"/> مدرّسات | <input type="radio"/> فاعلين | <input type="radio"/> لاعِبون | <input type="radio"/> ۷ شَعْران |
| <input type="radio"/> ملك | <input type="radio"/> مدرّسة | <input type="radio"/> مكتبة | <input type="radio"/> ۸ مصنع |

۹ كلمات داده شده را در جاهای خالی مناسب قرار دهید.

آيام - مدينة - أسبوع - خرمين - مؤمنات - فائزون - محفظة - حقائب - بيت - ناجحات - واقفين - مؤمنين - أحياء - جالسات - قادرين - شاكران - طالبة - خسران

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی	جمع سالم مذکر	جمع سالم مؤنث	جمع مکسر



پاسخ نامه تشریحی

پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

- ۱ فروشنده‌ها
- ۲ دشمنی
- ۳ سال تحصیلی
- ۴ ساده
- ۵ هفتاد
- ۶ هشتم
- ۷ طلای او
- ۸ زندگی
- ۹ فرومایگان
- ۱۰ خانواده

پاسخ ۲

- ۱ آخر = نهاية
- ۲ اَمْسِي = غَد
- ۳ بُسْتَان = حديقة
- ۴ رَخِيصَةً = غَالِيَةً
- ۵ الْوَحْدَةَ = الْجَمَاعَةَ
- ۶ ذَهَبٌ = زَجَع
- ۷ فَوْقٌ = تَحْت
- ۸ خَلْفٌ = وَّرَاء
- ۹ الْآبُ = الْوَالِد
- ۱۰ يَمِينٌ = يَسَار
- ۱۱ أَرَاذِلٌ = أَفَاضِل
- ۱۲ حَازٌ = بَارِد
- ۱۳ حَزْنٌ = فَرْح
- ۱۴ الْبَسِيطَةَ = الصَّعْبَةَ
- ۱۵ حُسْنٌ = سُوء

پاسخ ۳

- ۱ الْحَدِيقَةُ: مَكَانُ الْأَشْجَارِ
- ۲ الشَّبَكَةُ: وَسِيلَةٌ لِيَصِيدَ الْأَسْمَاكَ
- ۳ الْفَلَاحُ: يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ
- ۴ الْفُسْتَانُ: مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ وَ الْبَنَاتِ
- ۵ الْأُسْبُوعُ: عَدَدُ أَيَّامِهِ سَبْعَةٌ
- ۶ السَّفِينَةُ: تَجْرِي عَلَى الْبَحْرِ
- ۷ الذَّهَبُ: قِيمَتُهُ غَالِيَةٌ جِدًّا
- ۸ الْجَدَّةُ: أُمُّ الْآبِ
- ۹ أَحْمَرٌ: لَوْنُ الرُّمَانِ
- ۱۰ أَزْرَقٌ: لَوْنُ السَّحَابِ

پاسخ ۴

- ۱ این دوستان ایستاده‌اند.
- ۲ دست خدا با جماعت است.
- ۳ هر کس دشمنی کاشت زیان درو کرد.
- ۴ آن مادران نشسته‌اند.
- ۵ او در خانه‌اش را کوبید.
- ۶ من به خانه‌ام برگشتم.
- ۷ آن‌ها دستانشان را بالا بردند.
- ۸ آن‌ها کلیدشان را یافتند.
- ۹ هرگاه فرومایگان فرمانروا شوند، شایستگان هلاک گردند.
- ۱۰ همنشینی با دانشمندان عبادت است.

پاسخ ۵

- ۱ طلای او (ثروت) است.
- ۲ سه چیز - قرآن - دریا
- ۳ کجایند - نشسته‌اند
- ۴ یاد کردید - نوشتند
- ۵ لباس‌هایت - تکالیفت
- ۶ دست - سالم بمانند
- ۷ تنهایی - همنشین
- ۸ بی‌عمل - بی‌ثمر است

پاسخ ۶

- ۱ تَلِكْ
- ۲ ذَلِكْ
- ۳ هِمَا
- ۴ كَتَبْتَنِّ
- ۵ صَفْنَا
- ۶ أَنَا
- ۷ هَاتَانِ
- ۸ أَوْلَانِكَ
- ۹ هُنَّ
- ۱۰ طَرَقَتْ



پاسخ ۷

- ۱ هُوَ شَهْرِيَّاز
۲ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِباً
۳ عَلَى الْمِنَصْدَةِ
۴ هَذَا قَمِيصٌ
۵ أَنَا مِنَ الْعِرَاقِ / أَنَا عِرَاقِيٌّ
۶ خَمْسٌ

پاسخ ۸

- ۱ واجبات
۲ أَنْتَ
۳ رُبٌّ
۴ صَيْفٌ
۵ وَرْدَةٌ
۶ رَجُلَانِ

۷ شَعْرَنَ

۸ مَلَكٌ

پاسخ ۹

- ۱ مفرد مذکر: أُسْبُوعٌ - بَيْتٌ - حُسْرَانٌ
۲ مفرد مؤنث: مَدِينَةٌ - مِحْفَظَةٌ - طَالِبَةٌ
۳ مثنّی: حَرَمِيْنٌ - مُؤْمِنِيْنٌ - شَاكِرَانِ
۴ جمع سالم مذکر: فَائِزُوْنَ - وَاقْفِيْنَ - قَادِرِيْنَ
۵ جمع سالم مؤنث: مُؤْمِنَاتٌ - نَاجِحَاتٌ - جَالِسَاتٌ
۶ جمع مکسر: أَيَّامٌ - حَقَائِبٌ - أَحْيَاءٌ

پاسخ پرسش‌های درس دوم

پاسخ ۱

- ۱ گذشته
۲ متن‌های ساده
۳ جهانی
۴ سازمان ملل متحد
۵ لغت‌نامه
۶ می‌دانم
۷ کودکی
۸ هم‌چنین، نیز
۹ قرار دادیم
۱۰ پوشاند

پاسخ ۲

- ۱ نَجَحٌ = فَازَ
۲ ذَكَرٌ = نَسِيَ
۳ أَسْوَدٌ = أَبْيَضٌ
۴ سَهْلٌ = بَسِيطٌ
۵ أَكْثَرٌ = أَقَلٌ
۶ مَعْجَمٌ = قَامُوسٌ
۷ الصَّغَرُ = الكِبَرُ
۸ كَتَمَ = أَظْهَرَ

پاسخ ۳

- ۱ الذَّهَبُ: الْوَقْتُ مِثْلُهُ
۲ حُسْنُ الْخَلْقِ: نِصْفِ الْدِينِ
۳ الْجَهْلُ: مَوْتُ الْأَحْيَاءِ
۴ الْمَاءُ: كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ حَيٌّ
۵ الْمُصْنَعُ: يَعْمَلُ الْعَامِلُ فِيهِ
۶ الْأُمَّهَاتُ: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِهِنَّ

پاسخ ۴

- ۱ درست
۲ نادرست
۳ نادرست
۴ درست
۵ نادرست

پاسخ ۵

- ۱ جعلنا
۲ تبدئين
۳ حَفِظْتِ - تَحْفَظِيْنَ
۴ أَكَلْتِ
۵ دَخَلْتُ - تَدْخُلُ
۶ طَرَقْتُ
۷ قَبِلْتَ - تَعْمَلُ
۸ أَبْحَثُ

پاسخ ۶

- ۱ عَمِلْتُ
۲ مَن
۳ نَشَرُهُ
۴ أَعْرِفُ
۵ كَتَمَ
۶ خَدَمُوا
۷ طَرِيقٌ
۸ تَفْهَمِيْنَ

پاسخ ۷

- ۱ تَفَرَّأْتُ
۲ أَشْتَرِي
۳ أَرْفَعُ
۴ تَجْلِسُ

پاسخ ۸

- ۱ تَعْرِفُ: مِي دَانِي
۲ أَقْدِرُ: مِي تَوَانِم
۳ تَعْرِفِيْنَ: مِي دَانِي
۴ تَشْرَبِيْنَ: مِي نُوْشِي
۵ تَعْرِفُ: مِي دَانِم
۶ تَقْدِرُ: مِي تَوَانِي
۷ تَعْرِفِيْنَ: مِي تَوَانِي
۸ تَشْرَبُ: مِي نُوْشِي
۹ تَشْرَبُ: مِي نُوْشِم
۱۰ تَعْلَمُ: مِي دَانِي
۱۱ تَعْلَمُ: مِي دَانِم
۱۲ تَقْدِرِيْنَ: مِي تَوَانِي
۱۳ تَقْدِرِيْنَ: مِي تَوَانِي
۱۴ أَنْجَحُ: مَوْفِقٌ مِي شُوم
۱۵ تَنْجَحُ: مَوْفِقٌ مِي شُوي
۱۶ تَنْجَحِيْنَ: مَوْفِقٌ مِي شُوي
۱۷ تَقْبَلِيْنَ: مِي پَذِيرِي
۱۸ أَقْبَلُ: مِي پَذِيرِم
۱۹ تَقْبَلُ: مِي پَذِيرِي